

Received: 2023/10/2
Accepted: 2023/12/20
Vol.22/No.83/Spring2025

scientific quarterly journal of Islamic mysticism
erfan.eslami.zanjan@gmail.com
<https://sanad.iau.ir/journal/mysticism>

Eulogia and the Blessing Word: A Comparative Study of the Holy Bread in Byzantine Theology and Baraka in Islamic Mysticism

Tahereh Fahimi Najm

Islamic Studies Department, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
t.fahiminajm@iau.ac.ir

Abstract

This article adopts a comparative approach to examine the concept of the holy bread in Byzantine theology, known as Eulogia, and the notion of Baraka in Islamic mysticism, particularly in the works of Muḥyī al-Dīn Ibn ʿArabī. The main objective of this study is to analyze the relationship between matter and the Word within these two religious traditions and to explain their role in shaping the religious understanding of the world. In both traditions, bread is regarded not merely as physical nourishment but as a vessel for the manifestation of the divine Word and the transmission of sacred grace. In the Eucharistic rite, Eulogia serves as the bearer of the Logos and a sign of the real presence of Christ in material existence, reinforcing the idea of divine indwelling in the world. In Islamic mysticism, bread symbolizes divine mercy (al-Raḥma) and the Breath of the Merciful (Nafas al-Raḥmānī), from which blessing, meaning, and spiritual life emanate. This research, based on an analysis of primary Byzantine and Islamic texts and theological, exegetical, and mystical sources, seeks to propose a shared model for understanding the sanctification of matter through the divine Word. The study employs conceptual analysis, hermeneutical interpretation, and comparative methodology to deepen the comprehension of the matter-Word connection in religious traditions.

Keywords: Eulogia, Logos, Baraka, Ibn ʿArabī, Churc

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۷/۱۰

فصلنامه علمی عرفان اسلامی

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۹/۲۹

دوره ۲۲- شماره ۸۳- بهار ۱۴۰۴- صص: ۳۱۵-۳۳۰

مقاله پژوهشی

ایولوجیا و کلام برکت‌بخش: تطبیقی میان نان مقدس در الهیات بیزانسی و برکت در عرفان اسلامی*

ظاهره فهیمی نجم^۱

چکیده

این مقاله با رویکردی تطبیقی به بررسی مفهوم نان مقدس در الهیات بیزانسی، تحت عنوان «ایولوجیا»، و مفهوم «برکت» در عرفان اسلامی، به‌ویژه در آثار محی‌الدین ابن عربی می‌پردازد. هدف اصلی پژوهش، تحلیل نسبت میان ماده و کلام در این دو سنت دینی و تبیین نقش آن در شکل‌دهی به فهم دینی از عالم است. در این سنت‌ها، نان نه تنها خوراک جسمانی، بلکه ظرف تجلی کلام الهی و وسیله‌ای برای انتقال فیض قدسی محسوب می‌شود. در آیین عشای ربانی، ایولوجیا به‌عنوان حامل لوگوس، نشانه حضور واقعی مسیح در ماده تلقی می‌شود و مفهوم حلول الهی در عالم مادی را تقویت می‌کند. در عرفان اسلامی نیز نان، مظهر رحمت الهی و نفس رحمانی است که از آن، برکت، معنا و حیات معنوی ساطع می‌شود. این پژوهش با تحلیل متون اصلی بیزانسی و اسلامی و بهره‌گیری از منابع کلامی، تفسیری و عرفانی، به دنبال ارائه‌ی الگویی مشترک برای فهم نحوه قداست‌یافتن ماده از طریق کلام الهی است. روش تحقیق مبتنی بر تحلیل مفاهیم، تفسیر معنایی و تطبیق تطبیقی بوده و نتایج آن درک عمیق‌تری از پیوند ماده و کلام در سنت‌های دینی فراهم می‌آورد. کلیدواژه‌ها: ایولوجیا، لوگوس، برکت، ابن عربی، کلیسا.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مرکز مطالعات علوم انسانی

*این مقاله با راهنمایی علمی پروفسور دکتر یوهانس نیهوف - پاناگوتیدیس، استاد بیزانس‌شناسی مؤسسه زبان‌شناسی یونانی و لاتین دانشگاه آزاد برلین پژوهش و نگارش شده است. jnp@zedat.fu-berlin.de

۱- گروه معارف اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. t.fahiminajm@iaui.ac.ir

پیشگفتار

در تاریخ ادیان، بسیاری از عناصر مادی همواره معانی فراتر از کارکرد طبیعی و فیزیکی خود داشته‌اند. نان، به عنوان یکی از اساسی‌ترین مواد غذایی، در بسیاری از سنت‌های دینی و معنوی، جایگاهی بالا دارد جایگاهی که ورای تغذیه‌ی جسم است. نان با این دیدگاه به یکی از حاملان امر قدسی تبدیل شده است. در بستر برخی آیین‌های عبادی، نان دیگر صرفاً یک خوراک نیست، بلکه تجسم یک معنا، کلام، و حضوری فراتر از ماده تلقی می‌شود؛ حضوری که هم جسم را تغذیه می‌کند و هم روح را تجلی می‌بخشد. در سنت‌های یهودی-مسیحی، نان به‌ویژه در آیین‌های عشاء ربانی، نمادی از بدن مسیح و حضور عینی لوگوس (کلمه الهی) در ماده می‌شود (شمن، ۱۹۷۳، ۶۵). از سوی دیگر، در سنت اسلامی، به‌ویژه در نگاه عرفانی ابن عربی، برکت نه کیفیتی الحاقی، بلکه نوری است که در جوهر ماده نهفته است و از طریق کلمه الهی فعلیت می‌یابد (ابن عربی، ۲۰۰۲، ۲۶۷).

این تصویر در کلیسای ارتدوکس شرقی نیز به چشم می‌خورد، نان مقدس در قالب آیین ایولوجیا، نه فقط نمادی از بدن مسیح، بلکه واقعیت مجسم کلام الهی در قالب ماده‌ی زمینی است. کشیش در این آیین، با دعای خاصی از محضر روح‌القدس درخواست می‌کند تا نان و شراب را به بدن و خون مسیح بدل سازد؛ این فرایند که با دعایی با نام اپیکلزیس همراه است، به منزله‌ی عبور ماده از وضعیت طبیعی به حالت قدسی تلقی می‌شود (تافت، ۱۹۹۱، ۴۲۹). در چنین فضایی، ماده‌ی نان در پرتو زبان عبادی و مناسک مقدس، از حله‌ی محسوس فراتر می‌رود و معنای متافیزیکی می‌یابد. این نان، در واقع حامل لوگوس است؛ کلمه‌ای که در آیین و ماده حلول می‌کند و فیض الهی را به مشارکت‌کنندگان منتقل می‌سازد (زیزولاس، ۲۰۰۶، ۹۱).

در فضای فکری دیگری عرفان اسلامی با دیدگاه خاص معنایی و هستی‌شناسی خود، به مقوله‌ی شبیه به ائولوجیا با عنوان «برکت» می‌پردازد. ابن عربی، بزرگ‌ترین متفکر وحدت‌گرای عرفانی، بر این باور است که برکت در اشیاء به‌طور ذاتی حضور دارد و کلمه الهی، آن را از قوه به فعل درمی‌آورد. به بیان دیگر، ماده از ابتدا واجد ظرفیت حضور قدسی است، و این حضور به واسطه‌ی زبان الهی و اسماء ربانی، متجلی می‌شود (ابن عربی، ۱۹۹۹، ۱۸۲). در این نگاه، برکت نه تنها محصول مناسک، بلکه تجلی حقیقت الهی در ساحت ماده است. نان، به عنوان رزق، صورت قابل مشاهده‌ی فیض خداوندی است و کلمه الهی در آن نهفته است.

اهمیت این پژوهش در آن است که با مقایسه ی دو سنت دینی متمایز - کلیسای بیزانسی و عرفان اسلامی - نشان می دهد چگونه مفاهیمی مشابه با ساختارهای زبانی متفاوت، به تفسیر رابطه ی ماده و معنا می پردازند. هر دو سنت، نان را نه صرفاً غذا، بلکه زبان و بدن می دانند؛ زبانی که از طریق آن، فیض الهی منتقل می شود و بدنی که تجلیگاه امر قدسی است. اگرچه زمینه ی تاریخی، مفهومی و الهیاتی این دو سنت متفاوت است، اما شباهت های عمیقی در نوع نگرش به «ماده ی برکت یافته» و «کلام قدسی» دارند.

روش پژوهش کیفی و تطبیقی است و مبتنی بر تحلیل متون اصلی (نظیر الفتوحات المکیه ابن عربی و متون لیتورژیک بیزانسی)، منابع تفسیری و نیز مطالعات جدید در حوزه ی الاهیات تطبیقی است.

۲. چارچوب مفهومی و نظری: نان، کلام و برکت در آیینی دو سنت

۲.۱. ایولوجیا: نان برکت یافته در کلیسای بیزانسی

واژه ی «ایولوجیا» (εὐλογία) در زبان یونانی کهن از دو بخش تشکیل شده:

(eu) "eu" به معنی «نیکو، خوب»

(logia) "logia" به معنی «سخن، گفتار»

بنابراین از نظر لغوی، ایولوجیا یعنی «گفتار نیکو»، «سخن پر از خیر» یا «دعای خیر». یانگ درباره ی ایولوجیا می نویسد: «ایولوجیا به معنای برکت یافته است، اما نه صرفاً در سطح دعا؛ بلکه به یک ماده ی خاص اشاره دارد که از طریق دعا و حضور روح القدس برکت یافته و به جماعت داده می شود». (یانگ، ۱۹۹۰: ۱۲۰)

در بستر آیینی کلیسای ارتدوکس شرقی، این واژه مفهومی متفاوت دارد و به نانی اطلاق می شود که طی مراسم عشای ربانی تبرک یافته و به بدن واقعی مسیح بدل می شود. این مفهوم، از بنیادهای الهیات تجسد در مسیحیت شرقی ریشه می گیرد؛ جایی که لوگوس یا کلمه ی الهی در کالبد انسانی عیسی حلول می کند و در آیین عشای ربانی، این حلول بار دیگر در کالبد نان و شراب تکرار می شود (یزیزولاس، ۲۰۰۶، ۹۴).

در آیین لیتورژیک کلیسای بیزانسی، لحظه ی «اپیکلیزیس» به مثابه نقطه ی محوری این دگردیسی است؛ کشیش با دعای خاصی از روح القدس می طلبد که نان و شراب را به بدن و خون مسیح تبدیل کند (تافت، ۱۹۹۱، ۴۳۰). این لحظه، نه استعاره ای نمادین، بلکه عمل واقعی حضور خداوند در ماده ای زمینی محسوب می شود (شمن، ۱۹۷۳، ۶۸). حضور واقعی در نان مقدس، آموزه ای است که در کلیساهای ارتدوکس، نه تنها عقیده ای متافیزیکی بلکه تجربه ای ملموس از اتحاد با مسیح است.

پدران کلیسا، از جمله یوحنا زین‌دهان، این نان را به مثابه بدن «کلمه‌ی مجسم» می‌دانستند و بر این باور بودند که مشارکت در آن، تغذیه‌ای روحانی از کلمه‌ی الهی است (کریسوستوم، ۲۰۱۳، ۴۵). او در یکی از خطبه‌های خود می‌گوید: «اگر چه آنچه بر محراب می‌بینی نان است، ولی با نزول روح‌القدس، دیگر نان نیست، بلکه کلمه‌ای است که در جسم حلول کرده است» (همان، ۴۶). افزون بر این، ایولوجیا را نمی‌توان بدون درک نسبت آن با زبان مقدس کلیسا فهمید. دعاها، مزامیر، و تلاوت‌های کتاب مقدس، خود زمینه‌ای هستند که در آن ماده به بدن قدسی بدل می‌شود. زبان عبادی، به‌ویژه در بستر یونانی یا اسلاوی کلیسایی، نه فقط ابزار دعا، بلکه ابزار آفرینش جدید تلقی می‌شود. نان، به واسطه‌ی زبان مقدس، از طبیعت خود بیرون آمده و به بخشی از لوگوس بدل می‌شود (زیزیولاس، ۲۰۱۲، ۲۳).

نکته‌ی مهم در فهم ایولوجیا، درک آن به‌عنوان تبلور رابطه‌ی ماده و معنا، جسم و کلام، و آیین و حقیقت است. نان، از طریق زبان مقدس و حضور روح‌القدس، حامل کلام می‌شود. این همان منطق «تجسد» است که در مسیحیت شرقی با عمقی کیهان‌شناسانه درک می‌شود.

۲.۲. زبان برکت در عرفان اسلامی: ماده‌ی متبرک، کلمه‌ی جاری

برکت به معنای ثبوت خیر الهی در چیزی است به طوری که رشد و فزونی از آن ناشی شود. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۷۲). در سنت اسلامی، مفهوم «برکت» پیوندی تنگاتنگ با کلمه‌ی الهی، فیض ربانی، و حضور در اشیاء مادی دارد. در قرآن، واژه‌ی «مبارک» بارها به کار رفته و همواره با نشانه‌ای از حضور یا قدرت الهی همراه است، از جمله در وصف شب قدر (دخان: ۳)، مسجدالاقصی (اسراء: ۱)، یا حتی زیتون (نور: ۳۵). در تفکر عرفانی، به‌ویژه از منظر ابن عربی، این مفهوم به یک ساختار هستی‌شناسانه تبدیل می‌شود: هر آنچه در هستی وجود دارد، جلوه‌ای از اسماء الهی است، و برکت همان جلوه‌ی فعلیت‌یافته‌ی اسماء در عالم ماده است (ابن عربی، ۲۰۰۲، ۲۶۷).

ابن عربی در الفتوحات المکیه می‌گوید: «البرکة هی ثبوت الخیر الإلهی فی الشیء بثبات حضره الحق فیه». «برکت آن است که خیر الهی در چیزی ثابت شود، از آن جهت که حضوری از حضرت حق در آن چیز پایدار گردد» (ابن عربی، ۱۴۲۴ق، ج ۱: ۳۴۵).

همچنین، در دیدگاه عرفانی وی، «برکت» به عنوان اثر وجود مقدس در اشیاء و اشخاصی تلقی می‌شود که با عالم قدس مرتبط شده‌اند مثلاً نان، آب، یا حتی مکان‌هایی چون کعبه به خاطر اتصال به امر الهی، برکت یافته‌اند.

ابن عربی در الفتوحات المکیه می‌نویسد که جهان، مظهر نفس رحمانی خداوند است؛ یعنی نفس مقدسی که همه‌ی اشیاء را در بر گرفته و در آن‌ها دمیده شده است. برکت، ثمره‌ی همین دم است. در این نگاه، برکت نه امری خارجی و افزوده، بلکه کیفیتی درونی و جوهری است که در اشیاء نهفته

است و تنها با ذکر الهی یا نیت پاک آشکار می شود (ابن عربی، ۱۹۹۹، ۱۴۲). بنابراین نان، به عنوان یک شیء مادی، واجد آن کیفیت برکت است و با ذکر الهی، این کیفیت فعلیت می یابد.

در یکی از بخش های کلیدی الفتوحات، ابن عربی می نویسد: «برکت در رزق، نه به کثرت آن، بلکه به نور کلمه است. اگر کلمه ی الهی در آن جاری باشد، اندک آن بیشتر از بسیار بی برکت است» (ابن عربی، ۲۰۰۲، ۲۷۳). این تأکید بر نقش کلمه، ما را به یکی از کلیدی ترین ساختارهای عرفان اسلامی می برد: «زبان» به عنوان خالق معنا. کلام خداوند (قرآن) نه تنها وحی است، بلکه خود فیض و قدرت است؛ و زبان مؤمن، اگر با نیت و اخلاص باشد، امتدادی از همان کلام می شود. که در عالم ماده حلول می کند.

در سنت اسلامی، آیین های خاصی برای تبرک غذا، به ویژه نان، وجود دارد: خواندن بسم الله پیش از خوردن طعام که مرسوم در بین مسلمانان است، و یا خواندن دعاها ی خاص، یا حتی تقسیم نان با نیازمندان که سیره عرفا و اهل کرامت است. همه ی این اعمال، زبان را وارد ماده می کنند. زبان مقدس، در قالب دعا و ذکر، همان کلمه ای است که ماده را از قوه به فعل معنوی می رساند.

جالب این جاست که در آثار برخی عرفای ایرانی همچون نجم الدین رازی و عین القضاة، نیز برکت و کلام به هم پیوسته اند. رازی در کتاب مرصاد العباد می گوید: «خوردن نانی که با یاد حق باشد، قوت دل دهد، نه تنها بدن را» (رازی، ۱۳۸۵، ۱۲۳). این گزاره نشان می دهد که ماده، وقتی با کلمه همراه شود، به منبعی برای ادراک امر قدسی بدل می شو و در جان آدمی اثر می گذارد.

عین القضاة همدانی نیز نان را نه تنها خوراک جسم، بلکه رزق الهی می داند که از طریق اسباب ظاهری به انسان می رسد. او در یکی از بیاناتش می نویسد: «چون نان می خوری، بدان که آن نان را به قدرت و رحمت او خورده ای، و آن را نه دهن تو بلکه دست او به تو رسانیده است» (عین القضاة همدانی، ۱۳۷۷: ۲۷۵). در نگاه او، برکت ظهور رحمت الهی است در شیئی محدود، که آن را از حد طبیعی فراتر می برد. وی در نامه ای می نویسد: «برکت آن است که چیز اندک کاری بزرگ کند، و این خاصیت رحمت است، نه مادیت» (همان، ۱۳۸۸: نامه ۵۳). همچنین نان اگر با نیت و ذکر الهی خورده شود، از نظر او عبادتی حقیقی به شمار می رود: «نان خوردن با ذکر، نماز است؛ و نان خوردن بی ذکر، حیوانیت» (همان، ۱۳۸۶: ۸۸).

می توان گفت در هر دو سنت اسلام و مسیحیت، ایولوجیا و برکت را، در بستر دو منظومه ی الاهیاتی متفاوت، اما با ساختاری مشابه می توان یافت. نان به عنوان یک ماده ی ساده و روزمره، و خوراک اصلی، از طریق زبان (دعا، ذکر، تلاوت) به عرصه ی قدسی راه می یابد و متبرک می شود. کلمه، در هر دو سنت، نه فقط بیان، بلکه نیروی آفرینش و دگردیسی و مجوز تغییر از ماده به معنا است. ماده در هر دو نگاه، ظرفیت حلول فیض را دارد؛ ماده ای که با زبان فعال می شود.

۳. ایولوجیا در سنت بیزانسی: لوگوس، بدن مسیح، و آیین عشای ربانی

در الهیات بیزانسی، فهم نان مقدس جدا از فهم لوگوس ممکن نیست. لوگوس، که به معنای کلمه‌ی ازلی خداست، در مسیحیت بنیاد هستی و واسطه‌ی خلقت جهان به شمار می‌رود. لوگوس (λόγος) در سنت فلسفی و الهیاتی یونانی، واژه‌ای چندلایه است که مفاهیمی چون "کلمه"، "عقل"، "نظم"، و "بیان" را در بر می‌گیرد. در فلسفه هراکلیتوسی، لوگوس اصل نظم‌بخش و عقلانی جهان است که هر چیز مطابق با آن شکل می‌گیرد. در الهیات مسیحی، به‌ویژه در انجیل یوحنا، لوگوس به عنوان "کلمه" الهی معرفی می‌شود که در آغاز با خدا بود و خود خدا بود (یوحنا ۱:۱)، و در ادامه به عنوان عیسی مسیح که کلمه مجسم شد، شناسایی می‌شود. (پلیکان، ۱۹۷۱: ۲۰-۲۲)

بنابراین، لوگوس همزمان بیانگر عقل الهی، واسطه خلقت، و تجسد امر قدسی در تاریخ انسانی است.

این کلمه، در مسیح تجسد یافت و در زمین ظاهر شد. اما کلیسای بیزانسی معتقد است که این تجسد تنها در شخص عیسی اتفاق نیفتاد، بلکه در آیین عشای ربانی، این تجسد بار دیگر در ماده (نان و شراب) تحقق می‌یابد. نان مقدس، یعنی ایولوجیا، ادامه‌ی تجسد لوگوس در بستر آیینی است (مایندورف، ۱۹۸۱، ۱۰۳).

۳.۱. از نان عادی تا بدن مسیح: فرایند دگردیسی

در آیین عشای ربانی کلیسای ارتدوکس، فرایند دگردیسی نان و شراب به بدن و خون مسیح، بخشی از راز مقدس کلیسا محسوب می‌شود. این دگرگونی در لحظه‌ای محوری به نام اپیکلیزیس رخ می‌دهد؛ لحظه‌ای که کشیش دستان خود را بر نان و شراب گشوده، دعا می‌خواند و از روح‌القدس می‌خواهد که حضور الهی را بر این عناصر نازل کند (تافت، ۲۰۰۳، ۱۸۳). در اینجا، زبان دعا به‌مثابه ابزار دگردیسی عمل می‌کند، همان‌طور که در خلقت، کلمه‌ی خدا جهان را از عدم به وجود آورد. اکنون، همان کلمه، از طریق زبان کشیش، نان را به کالبد لوگوس بدل می‌سازد.

آلکساندر شمن در تحلیل خود از این آیین می‌نویسد: «لحظه‌ای که نان و شراب تغییر می‌کنند، لحظه‌ای است که زبان انسان، تحت هدایت روح، به زبان خدا بدل می‌شود. در اینجا، دعا، فعل آفرینش مجدد است» (شمن، ۱۹۷۳، ۷۸). به این ترتیب، ایولوجیا صرفاً نانی مقدس نیست، بلکه بدنی است که با زبان آفریده شده؛ زبانی که در آیین و مناسک کلیسایی، قدرت خود را نشان می‌دهد.

۳.۲. لوگوس و ماده: بازخوانی هستی‌شناسانه

در الهیات ارتدوکس، رابطه‌ی لوگوس و ماده، نه تقابلی، بلکه اتحادی است. این نگرش در تقابل با برخی گرایش‌های دوگانه‌گرایانه قرار دارد که ماده را ذاتاً ناپاک یا مانع وصال با خدا می‌دانند. کلیسای

بیزانسی ماده را ظرف مقدس می داند، زیرا تجسد لوگوس در آن رخ داده است. نان، به عنوان یکی از ابتدایی ترین عناصر ماده، اکنون حامل آن حقیقت ازلی است (زیزیولاس، ۲۰۰۶، ۹۶).
یوحنا ی دمشقی، یکی از برجسته ترین الهیدانان قرن هشتم، در اثر مهم خود ایمان ارتدوکس می نویسد: «ما به ماده بی احترامی نمی کنیم؛ زیرا ماده از آغاز توسط کلمه، برکت یافته است و اکنون، وسیله ی نجات ماست» (دمشقی، ۲۰۰۳، ۴۷). برای او، ماده نه تنها ابزار تعلیم، بلکه بستر حقیقی مشارکت در ذات الهی است. وقتی مؤمن نان مقدس را می خورد، نه فقط بدنی فیزیکی بلکه حقیقتی متعالی را در خود وارد می کند.

۳.۳. حضور واقعی: ورای نماد

در سنت پروتستان یا برخی گرایش های غربی، عشای ربانی بیشتر جنبه ی نمادین دارد؛ اما در الهیات بیزانسی، بر حضور واقعی (Real Presence) تأکید می شود. یعنی مسیح نه به صورت استعاره، بلکه به صورت واقعی، هرچند رازآلود، در نان حضور دارد. این حضور، در زبان کلیسا «تجسد دوم» خوانده می شود؛ زیرا همان طور که کلمه در مریم تجسد یافت، اکنون نیز در نان حلول می کند (زیزیولاس، ۲۰۱۲، ۴۵).

۳.۴. تأثیرات آیینی ایولوجیا

تأثیرات آیینی ایولوجیا قابل توجه است، ایولوجیا فقط درون کلیسا محدود نمی ماند. نان برکت یافته میان مؤمنان توزیع می شود، برای شفای بیماران فرستاده می شود و حتی در خانه ها نگاه داشته می شود. این نان به عنوان حضور مداوم لوگوس در زندگی روزمره تلقی می شود؛ حضور خداوند نه فقط در لحظه ی دعا، بلکه در استمرار برای زیستن و زندگی سرشار از برکت است.
و می توان گفت ایولوجیا، ترکیبی از لوگوس، ماده، زبان، و آیین است. این نان، هم تجسد است، هم زبان؛ هم ماده است، و هم معنا را در بر می گیرد. این منطق پیچیده، یکی از عمیق ترین نمادهای الهیات شرقی در پیوند ماده و کلام است.

۴. برکت در عرفان اسلامی: وحدت وجود، اسماء الهی، و کلمه ی خلاق (لوگوس)

۴.۱. مقدمه ای بر مفهوم برکت در سنت اسلامی

در سنت اسلامی، واژه ی «برکت» از ریشه ی «برک» گرفته شده که به معنای «ثبات، افزایش، و حضور پایدار خیر» است. این مفهوم در قرآن و احادیث، پیوند تنگاتنگی با تجلی حضور خداوند در اشیاء و زمان ها دارد. برای نمونه، خداوند در قرآن از قرآن کریم به عنوان «کتابی مبارک» یاد می کند

(انعام: ۹۲)، شب قدر را «شب مبارک» می‌نامد (دخان: ۳)، و مکانی مانند مسجدالاقصی را نیز «مبارک» معرفی می‌کند (اسراء: ۱). این اشارات نشان می‌دهد که برکت، کیفیتی ازلی و قدسی است که در زمان، مکان و ماده می‌تواند حلول کند. در عرفان و فلسفه اسلامی، مفهوم نزدیک به لوگوس عمدتاً در قالب «کلمه» یا «کلمه الهی» (کلمة الله) و مفاهیم مرتبط با عقل اول، صادر نخستین، یا «امر الهی» (الأمر) مطرح می‌شود. در حکمت اسلامی، به‌ویژه در اندیشه فلاسفه‌ای چون فارابی و ابن‌سینا، عقل فعال به‌منزله واسطه میان خداوند متعال و عالم محسوسات نقش‌آفرین است و کارکردی همانند لوگوس دارد. (نصر، ۱۳۷۴: ۱۲۰-۱۱۷) ابن عربی، «کلمه» را به عنوان ظهور اسماء و صفات الهی در عالم کثرت می‌شناسد، و انسان کامل به منزله تجلی تام این کلمه الهی و واسطه فیض و برکت معرفی می‌گردد. (چیتیک، ۱۹۸۹: ۸۲-۷۸)

در عرفان اسلامی، به‌ویژه در مکتب ابن عربی، این مفهوم شکل عمیق‌تری به خود می‌گیرد و در بستر اندیشه‌ی وحدت وجود، به یک اصل هستی‌شناسانه بدل می‌شود. برکت در این دستگاه، دیگر صرفاً یک امر افزوده به ماده نیست، بلکه خود حقیقت الهی است که در صورت‌های گوناگون ظهور و بروز می‌کند.

۴.۲. برکت و اسماء الهی: نان به‌مثابه مظهر رزق

همان‌طور که اشاره شد یکی از عمیق‌ترین و اصلی‌ترین تفکرات ابن عربی، این است که عالم با اسماء الهی اداره می‌شود. هر چیزی در جهان، مظهري از یکی یا چند اسم الهی است. نان، به‌عنوان رزق روزانه‌ی انسان، مظهر اسم «الرزاق» است؛ و چون اسماء الهی خود جلوه‌های فیض الهی هستند، بنابراین رزق و نان، ذاتاً واجد برکت‌اند از نگاه ابن عربی، رزق تمام جان را قوام می‌بخشد؛ چرا که در پس آن، کلمه‌ای از کلمات خداوند جاری است.

او می‌نویسد: «رزق حق، نوری است که در اشیاء حلول کرده و بر هر جان، به قدر قابلیت او جاری می‌شود» (ابن عربی، ۱۹۹۹، ۱۸۲). در این بیان، ماده (نان) و کلام (کلمه‌ی الهی) جدایی‌ناپذیرند. نان نه به‌خاطر موادش، بلکه به‌واسطه‌ی آن نوری که در آن ساری است، برکت دارد.

این نگاه را می‌توان در احادیث پیامبر اسلام نیز یافت: «إِذَا أَكَلَ أَحَدُكُمْ طَعَامًا فَلْيَذْكُرِ اسْمَ اللَّهِ، فَإِنْ نَسِيَ أَنْ يَذْكُرَ اسْمَ اللَّهِ فِي أَوَّلِهِ، فَلْيَقُلْ: بِسْمِ اللَّهِ أَوَّلُهُ وَآخِرُهُ». «هنگامی که یکی از شما غذایی می‌خورد، باید نام خدا را ببرد. اگر در آغاز خوردن فراموش کرد، بگوید: به نام خدا، در آغاز و پایان». (ابوداود، ۱۴۱۰، ج ۳: ۳۴۷)

و یا حدیثی از امام صادق علیه السلام که می‌فرماید: «إِذَا أَرَدْتَ أَنْ تَأْكُلَ طَعَامًا فَسَمِّ اللَّهَ، وَكُلْ بِمَعِينِكَ، فَإِنَّهُ مَبَارَكٌ». «هنگامی که خواستی غذایی بخوری، نام خدا را ببر و با دست راست غذا بخور، زیرا در آن برکت است». (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶: ۲۷۱) این احادیث، اشاره می‌کند که ذکر خدا (کلمه)

است که برکت را بالفعل می سازد. بنابراین همان منطقی که در سنت بیزانسی درباره ی دعا و اپیکلیزیس داریم، در سنت اسلامی نیز با ذکر و بسم الله یافت می شود.

۴.۳. نفس رحمانی: خاستگاه برکت در عرفان

ابن عربی در الفتوحات المکیه، مفهومی بنیادین به نام «نفس رحمانی» را مطرح می کند؛ نفسی که خداوند از آن، کل عالم را خلق کرده است. این نفس، همان دم الهی است که در ماده حلول کرده و به آن وجود و معنا می بخشد. او می نویسد: «نفس رحمانی، منبع همه ی صور، اسمای الهی، و تجلیات است» (ابن عربی، ۲۰۰۲، ۲۷۱).

در این چارچوب، برکت، شعاعی از نفس رحمانی است. نان، که از عناصر خاک، آب، آتش و باد ساخته شده، با دمیدن نفس الهی، حیات می یابد؛ و این حیات، تنها فیزیکی نیست، بلکه حامل معنا و فیض است. برکت در نان، همان نور نفس است که ماده را به ظرفی برای کلمه تبدیل می کند. نجم الدین کبری نیز در آثارش به همین نکته اشاره دارد. او می نویسد: «خوردن نان، اگر با یاد خدا باشد، غذای روح شود؛ زیرا یاد، برکت است، و نان حامل آن می شود.» (کبری، ۱۳۸۴، ۹۸). این نگاه در میان بسیاری از عرفا مشترک است: هر چیزی می تواند حامل برکت باشد، به شرط آن که کلمه ی الهی در آن حضور داشته باشد.

۴.۴. زبان، دعا و فعلیت یافتن برکت

در عرفان اسلامی، زبان فقط ابزار بیان نیست، بلکه ابزار آفرینش و تجلی است. همان گونه که خداوند با کلمه ی «کن» عالم را آفرید («إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» - یس: ۸۲)، زبان مؤمن نیز می تواند از طریق دعا، ذکر و نیت، ماده را متحول سازد. عین القضاات همدانی معتقد است که اگر انسان زبانش را با نیت صادق و معرفت به کار برد، می تواند در ماده اثر بگذارد؛ این زبان، نه زبان بشری، بلکه زبان مشارک با کلمه ی الهی است. او نان را همچون کلام اولیاء حامل اثری قدسی می داند و می گوید: «نان که به برکت نام او پخته شود، جان را نیز قوت دهد؛ چنان که کلامی که از زبان اولیاء آید، دل را برانگیزد» (عین القضاات همدانی، ۱۳۷۷: ۱۳۱).

۴.۵. برکت در زندگی روزمره و آیین های اسلامی

در سنت اسلامی، برکت تنها در دعا و مفهوم نیست، بلکه در زندگی روزمره نیز جاری است. تقسیم نان با دیگران، نگاه داشتن خرده نان با احترام، استفاده از نان برای شفا، و حتی باور به حضور برکت در نان خشک، همه نشان دهنده ی درکی است که در سنت ها ماده، به ویژه نان را، حامل نوعی حضور الهی می دانند.

در فرهنگ اسلامی، اصطلاحاتی چون «نان حلال»، «برکت در سفره»، «رزق طیب» همگی نشانه‌هایی هستند از پیوند میان کلام و ماده. مؤمن در سنت اسلامی، با زبان دعا و نیت پاک، می‌تواند به ماده برکت ببخشد. برکت در عرفان اسلامی، و نگاه ابن عربی فراتر از یک کیفیت افزوده یا آرزوی دعایی، ساختاری عمیق دارد که با هستی‌شناسی وی پیوند دارد. و به این نتایج منتج می‌شود که: نان، مظهر اسم رزاق و محمل نفس رحمانی است.

برکت، نوری درونی در ماده است که با زبان الهی فعلیت می‌یابد. زبان مؤمن، وقتی با ذکر و نیت همراه شود، قدرت دگرگونی ماده را پیدا می‌کند.

۵. تحلیل تطبیقی ایولوجیا و برکت: زبان، ماده و حضور در دو سنت

۵.۱. ماده، حامل معنا: نگاه مشترک

در هر دو سنت - الهیات بیزانسی و عرفان اسلامی - ماده نه تنها جایگاه تحقیر یا غفلت نیست، بلکه ظرفی مقدس برای تجلی معناست. نان، که ماده‌ای ابتدایی، ساده و روزمره است، در این دو دستگاه معنایی، به عنصری قدسی بدل می‌شود که در آن، حقیقتی متعالی حضور می‌یابد. این رویکرد با بسیاری از نظام‌های فلسفی دوگانه‌گرایانه متفاوت است که بین جسم و روح یا ماده و معنا شکاف قائل‌اند. در سنت بیزانسی، ماده با روح متحد می‌شود و در سنت اسلامی، ماده، ظهور نور و اسماء الهی است (دمشقی، ۲۰۰۳، ۴۷؛ ابن عربی، ۲۰۰۲، ۲۷۱).

در واقع، فهم ماده به مثابه محل تجلی، به ما اجازه می‌دهد ایولوجیا و برکت را در قالب یک زبان مشترک بین دو سنت ببینیم؛ زبانی که ماده را نه در برابر روح، بلکه در خدمت آن قرار می‌دهد. نان، به عنوان جوهری مادی، در هر دو سنت، چیزی بیش از کالری و تغذیه است؛ نان، زبان خداست که خورده می‌شود.

۵.۲. زبان، عمل خلاق: کلمه‌ای که می‌آفریند

در هر دو سنت، زبان، صرفاً وسیله‌ای ارتباط نیست؛ زبان، کنش خلاق است. در سنت بیزانسی، دعای اپیکلیزیس کانون این باور است که زبان می‌تواند ماده را متحول سازد. کشیش با قرائت دعا، نان را به بدن واقعی مسیح تبدیل می‌کند. در سنت اسلامی نیز، دعا و ذکر، به ویژه بسم الله، ماده را از وضعیت عادی به حالت متبرک سوق می‌دهد (شمن، ۱۹۷۳، ۷۸؛ ابن عربی، ۱۹۹۹، ۱۴۲).

در هر دو سنت، زبان خدایی با انسان شریک می‌شود؛ در بیزانس، کشیش به نمایندگی از مسیح سخن می‌گوید، و در اسلام، مؤمن با نیت و طهارت، زبانش را محل حضور کلمه‌ی الهی می‌سازد.

بنابراین کلمه، نه تنها محتوای معنا، بلکه ابزار حضور است. ایولوجیا، نتیجه‌ی زبان روحانی است؛ و برکت، نتیجه‌ی ذکر الهی.

۵.۳. آیین و جسم: ماده‌ی قدسی شده

یکی از عناصر کلیدی در مقایسه این دو سنت، نقش آیین و مناسک است. در بیزانس، آیین عشای ربانی ساختار مشخصی دارد: قربانی نان، تلاوت دعای خاص، و حضور جامعه مؤمنان. این آیین، تجلی ساختار معنوی کلیساست؛ جایی که جسم و روح، ماده و معنا در یک فرایند مقدس متحد می‌شوند (زیزولاس، ۲۰۱۲، ۴۵).

در عرفان اسلامی، اگرچه آیینی با آن ساختار وجود ندارد، اما اعمالی مانند گفتن بسم الله، شکرگزاری، صدقه دادن، و حتی تقسیم نان، همگی ساختارهایی آیینی هستند که به ماده، معنا می‌بخشند. اگرچه بدون دستگاه کلیسایی، اما با همان عمق و قدرت. بنابراین در هر دو سنت، آیین، نوعی «ساختار حضور» است؛ ساختاری که اجازه می‌دهد ماده، در لحظه‌ای مقدس، محل حضور کلمه‌ی الهی گردد.

۵.۴. تفاوت‌ها: تجسد و توحید

با وجود این شباهت‌ها، تفاوت‌هایی بنیادین نیز میان دو سنت وجود دارد. در سنت بیزانسی، نان تجسد مستقیم لوگوس است؛ یعنی کلمه‌ی خدا، در جسم مسیح، و سپس در نان مقدس، حلول می‌کند. این دیدگاه متکی به مسیح‌شناسی خاص کلیسای ارتدوکس است که به حضور واقعی مسیح در ماده باور دارد (کریسوستوم، ۲۰۱۳، ۴۶).

در مقابل، در سنت عرفانی اسلامی، هرگز ماده به خودی خود، «خدای متجسد» نمی‌شود. بلکه ماده، تجلی اسمای الهی است؛ نوعی تابش نور، نه تجسد ذات. ابن عربی به شدت به اصل تنزیه در عین تشبیه پایبند است: خدا در همه چیز حضور دارد، ما هیچ هستیم و جز خدا نیست (ابن عربی، ۲۰۰۲، ۲۷۳).

سهروردی نیز در این باب اشاراتی دارد و ماده را حجاب نور نمی‌داند، بلکه امکان بروز و بازتاب آن می‌داند. در *المشارع و المطارحات*، او فراتر از ماده‌ای چون نان می‌رود و برای جسم انسان مرتبتی قائل می‌شود که تجلی گاه نور است. وی جسم انسان کامل را «مرآت نور» می‌نامد؛ جسمی که نور را جذب و بازتاب می‌دهد، بی آنکه آن را محبوس کند. در این معنا، همان‌گونه که نان مقدس بازتابی از نور تجسد یافته است، و از دست کشیش بعنوان واسطه فیض الهی متبرک می‌شود، جسم ولی نیز آینه‌ای برای ظهور نور الهی است (سهروردی، *المشارع و المطارحات*، ص ۱۱۰).

در این مقاله تلاش بر آن بود که با رویکردی تطبیقی و تحلیلی، دو مفهوم بنیادین «ایولوجیا» در الهیات بیزانسی و «برکت» در عرفان اسلامی را بررسی و مقایسه شود؛ مفاهیمی که در ظاهر به دو سنت دینی کاملاً متفاوت تعلق دارند، اما در عمق و بنیان‌های معنوی‌شان، شباهت‌های چشم‌گیری را آشکار می‌سازند. این شباهت‌ها نه در سطح الفاظ، بلکه در بنیان‌های هستی‌شناسانه، معرفت‌شناختی و زبانی این دو سنت تجلی می‌یابند.

نخست، روشن شد که هر دو سنت نگاهی غیر دوگانه‌گرا به ماده دارند. در کلیسای ارتدوکس، ماده - به‌ویژه نان و شراب - حامل لوگوس است و در آیین عشای ربانی، به واسطه‌ی زبان دعا و نزول روح القدس، به بدن واقعی مسیح تبدیل می‌شود. در عرفان اسلامی، به‌ویژه در آثار ابن عربی، ماده نه حجاب معنا، بلکه مظهر آن است. نان، مظهر اسم رزاق، و جلوه‌ای از نفس رحمانی خداوند است که برکت در آن جاری است. این دو سنت، هر دو درک می‌کنند که حقیقت قدسی، می‌تواند در ماده‌ی روزمره حلول کند؛ مشروط به آن‌که کلام الهی آن را فعال سازد.

دوم، در هر دو سنت، زبان نقش اساسی دارد؛ نه صرفاً به‌عنوان ابزار بیان، بلکه به‌عنوان فعل خلاق. در سنت بیزانسی، دعا‌های مقدس موجب دگرگونی ماهوی ماده می‌شوند؛ در سنت اسلامی نیز، ذکر و نیت، ماده را متبرک و معنادار می‌سازند. زبان در هر دو، فعل الهی را بازآفرینی می‌کند. همان‌گونه که خدا با «گن» آفرید، مؤمن نیز با زبان دعا، در ماده حضور معنا را فعال می‌کند. در این میان، نان، به‌عنوان نقطه‌ی تقاطع کلام و ماده، بیش از هر چیز دیگر، حامل این معنا می‌شود.

سوم، آیین، بستر این دگردیسی است. در کلیسای بیزانسی، آیین عشای ربانی و ساختار دقیق آن، لحظه‌ی اتحاد لوگوس و ماده را ممکن می‌سازد. در سنت اسلامی، گرچه ساختار آیینی رسمی‌ای برای نان وجود ندارد، اما اعمال ساده‌ای همچون ذکر بسم الله، دعا، تقسیم نان، یا حتی شکرگزاری، زمینه‌ساز فعال‌شدن برکت در ماده می‌شود. در هر دو سنت، آیین نه قالبی صرف، بلکه زبان عملکرد فیض است. چهارم، در این پژوهش بیان شد که اگرچه سنت بیزانسی از منظر تجسد لوگوس سخن می‌گوید و سنت اسلامی بر تجلی اسماء الهی تأکید دارد، اما هر دو در یک معنا به «حضور الهی در ماده» باور دارند. تفاوت‌ها بیشتر در سطح زبان الاهیاتی و متافیزیک خاص هر سنت‌اند، نه در ساختار معنایی تجربه‌ی قدسی.

اهمیت این مقاله در پرداختن به الهیات تطبیقی است؛ رویکردی که می‌تواند هم در گفت‌وگوی بین‌ادیانی، و هم در فهم عمیق‌تر سنت‌های خودی، افق‌هایی نو بگشاید. نان، به‌عنوان ماده‌ای جهانی، آیینی‌ترین بُعد تغذیه را در خود جای داده است، و در پیوند با کلام، می‌تواند محل تلاقی دین، زندگی، معنا، و حضور الهی باشد.

منابع و مأخذ

- (۱) قرآن کریم.
- (۲) ابن عربی، محی‌الدین. ۱۳۷۸. *فصوص الحکم*. تصحیح و مقدمه: ابوالعلاء عفیفی. قاهره: دارالکتب العربی.
- (۳) ———. ۱۴۲۴ق. *الفتوحات المکیه*. تحقیق: ابراهیم مدکور. قاهره: الهیئه المصریة العامه للكتاب.
- (۴) ———. ۱۳۸۱. *الفتوحات المکیه* (جلد دوم). بیروت: دار صادر.
- (۵) ابوداود، سلیمان بن اشعث. ۱۴۱۰ق. *السنن*. تحقیق: محمد محیی‌الدین عبدالحمید. بیروت: دارالفکر.
- (۶) رازی، نجم‌الدین. ۱۳۸۵. *مرصاد العباد من المبدأ إلى المعاد*. تصحیح: محمد انصاری. تهران: نشر زرین.
- (۷) راغب اصفهانی، حسین بن محمد. ۱۴۱۲ق. *المفردات فی غریب القرآن*. تحقیق: صفوان عدنان داوودی. دمشق: دارالعلم.
- (۸) سهروردی، شهاب‌الدین یحیی. بی تا. *المشارع و المطارحات*. به کوشش سید حسین نصر. تهران: انجمن فلسفه ایران.
- (۹) کبری، نجم‌الدین. ۱۳۸۴. *رسالة الأصول العشره*. تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب.
- (۱۰) کلینی، محمد بن یعقوب. ۱۴۰۷ق. *الکافی*. تحقیق: علی‌اکبر غفاری. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- (۱۱) نصر، سید حسین. ۱۳۷۴. *آیین علم در اسلام*. ترجمه احمد آرام. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- (۱۲) همدانی، عین‌القضات. ۱۳۷۷. *تمهیدات*. به کوشش ع. دهقان. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- (۱۳) ———. ۱۳۸۸. *نامه‌ها*. به کوشش ع. دهقان. تهران: سخن.

- 14) Chrysostom, J. 2013. *Homilies on the Gospel of Matthew* – Homily 82.
- 15) Corbin, H. 1978. *Creative Imagination in the Sufism of Ibn 'Arabi*. Princeton, NJ: Princeton University Press.
- 16) Damascene, J. 2003. *An Exact Exposition of the Orthodox Faith (De Fide Orthodoxa)*, Book IV.13.
- 17) Kuchar, L. 1990. "The Role of Symbolism in Byzantine Christianity." *Journal of Byzantine Studies*, 8 (2): 231–245.
- 18) Liddell, H. G., & Scott, R. 1996. *A Greek-English Lexicon* (Rev. & Aug. by H. S. Jones & R. McKenzie). Oxford: Clarendon Press.
- 19) Meyendorff, J. 1981. *Byzantine Theology: Historical Trends and Doctrinal Themes*. New York: St Vladimir's Seminary Press.
- 20) Nasr, S. H. 2000. *Science and Civilization in Islam*. Cambridge, MA: Harvard University Press.
- 21) Schmemmann, A. 1973. *For the Life of the World: Sacraments and Orthodoxy*. New York: St Vladimir's Seminary Press.
- 22) Taft, R. 1991. "The Liturgical Reform of the Second Vatican Council." *Theological Studies*, 52 (3): 425–440.
- 23) ———. 2003. *Byzantine Liturgical Theology*. Cambridge: Cambridge University Press.
- 24) Ware, K. 1993. *The Orthodox Church*. London: Penguin Books.
- 25) Young, F. 1990. *The Use of Sacrificial Ideas in Greek Christian Writers from the New Testament to John Chrysostom*. Philadelphia: The Philadelphia Patristic Foundation.
- 26) Zizioulas, J. D. 2006. *Being as Communion: Studies in Personhood and the Church*. Crestwood, NY: St Vladimir's Seminary Press.
- 27) ———. 2012. *The Eucharistic Communion and the World*. London: T&T Clark.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی